

دولت آقای رئیسی از بیرون اینطور به نظر می‌رسد که گویی در انتخاباتی غیررقابتی به پیروزی رسیده و پشتیبان مردمی ندارد لذا حتی زمانی که سیاست‌های درستی را پیش می‌برد بیشترین تخریب‌ها را از جناح حامیان خودش دارد و این باعث بی‌ثباتی در سیاست‌ها و اقدامات می‌شود. یک روزی می‌آیند ارز ۴۲۰۰ را برمی‌دارند و چندماه بعد ارز ۲۸۵۰۰ را برمی‌گردانند. این رفتار سینوسی ادامه پیدا خواهد کرد. به انتخابات مجلس تا حدی می‌توان امیدوار بود تا شاید سیاست‌های کمی پایدارتر صورت بگیرد اما تا آخر دولت وضعیت همین است چون پایگاه اجتماعی گسترده ندارد.

انتظارات از دولت خیلی بالا رفته است و در یک روستایی اگر سقف روستایی چکه کند، می‌گویند دولت باید درست کند. از طرفی هم همین دولت اگر بخواهد کاری کند، اعتمادی به آن وجود ندارد. با این وضعیت چه کاری باید انجام داد؟

● **مهرداد:** ۳ سال اول بعد انقلاب، انواع تشکل‌ها فعالیت می‌کردند و به واسطه فشار خارجی در حوزه امنیتی و سیاسی وارد شد، فضا امنیتی شد. وقتی مسائل حل می‌شود که در شرایط متعارفی باشید. وقتی در فشار باشید، شکل امنیتی پیدا می‌کنید و پاسخ امنیتی می‌دهید. آیا همه مشکلات به خاطر این است؟ خیر. بخشی از آن تاریخی است اما نباید شکل دهی این شرایط را نادیده بگیریم. فشار اقتصادی به طور تنها خیلی جواب نمی‌دهد اما اینها وقتی باهمدیگر ترکیب می‌شود، تأثیرگذار می‌شود. من عدالت‌خواه سیستمی هستم و در راستای عدالت تلاش می‌کنم اما درباره تشکل‌یابی داریم حرف می‌زنیم اگر آن طرف و بردارهای بیرون را نادیده بگیریم، به راهکارهای مناسبی نمی‌رسیم. این کمکی به شرایط ما نکرده است. جمهوری اسلامی با برخی تشکل‌ها مشکل دارد. وقتی شما فشار اقتصادی بیاورید، فشار فرهنگی هم پیش می‌آید. اگر تحریم نبود که قیمت دلار اینقدر نبود و این را نمی‌شود رد کرد. ما جامعه‌ای بودیم که داشتیم توسعه پیدا می‌کردیم. چه چیزی اشکالات توسعه ما را می‌کند؟ آیا تحریم تأثیر داشته است؟ این را که نمی‌توانیم رد کنیم.

● **آروین:** من رد می‌کنم. اتفاقاً این تحلیل است که عیناً حامیان سلطنت پهلوی در مورد انقلاب ایران داشتند و دارند، عیناً همین جملات را دارند که ملت و مملکت در حال پیشرفت و توسعه بود و غربی‌ها توطئه کردند که این روند توسعه و قدرت‌یابی متوقف شود، یعنی استدلال‌های حکومت‌ها در مورد چرایی مخالفت با تشکل‌یابی و هراس تاریخی و بنیادین ناشی از ناامنی عیناً یکی است. اتفاقاً در حکومت پهلوی که تحریم هم نبود به اندازه جمهوری اسلامی ناکارآمدی وجود داشت. همانقدر که مادر دوره پهلوی منابع از دست دادیم در جمهوری اسلامی هم از دست دادیم. بروکرسی فاسد ناکارآمد اینها را به وجود آورده است اما توجیه ایدئولوژیک می‌آورد که غربی‌ها چشم دیدن پیشرفت ملت ایران را ندارند و چوب لای چرخ پیشرفت مملکت می‌گذارند، هم در دوره پهلوی هم در دوره جمهوری اسلامی این استدلال بنیادین بی‌اعتمادی به جامعه بوده است. نمی‌گویم تحریم بی‌تأثیر بوده است اما این واقعیت تاریخی در شکل دهی به وضعیت امروز مؤثرتر بوده است. تشکل‌یابی در مفهوم سرمایه اجتماعی باید معطوف به خیر عمومی باشد نه شکل دهی به گروه‌های ذینفع که همین حالا هم در شکل قدرتمندی وجود دارند و منافع عمومی را قربانی منافع شخصی و گروهی‌شان می‌کنند. میزان کارهای داوطلبانه و عضویت در خیریه‌ها شاخص سرمایه اجتماعی است که

دارای پتانسیل‌های نهادی در جامعه ایران هم هست.

● **مهرداد:** با یک چوب نباید بقیه چیزها را قضاوت کرد. نقد ما هم به این دولت هم به دولت‌های قبلی سر این است اما اگر این بردارها را نبینیم، ادبیاتی تولید می‌شود که مقابل تفاهم نیست. امنیتی‌ها می‌بینند که آن‌ها یک سری چیزها را نمی‌بینند. باید این بردارها را ببینیم. این گفتمان لزوماً سیاسی نیست برای خودش تاریخ دارد. جامعه وقتی درباره این مسأله صحبت می‌کند با توجه به وضع موجود، این بی‌اعتمادی را روی مسائل می‌گذاریم و روی فهم ما اجرا باید داشته باشیم و راهبردهایی که برای تشکل داریم، به شکلی است که همان فهم را باید در نظر بگیریم. ما با یک ملی‌گرایی روش شناختی مواجه هستیم. کلاً هیچ بردار بیرونی را به رسمیت نمی‌شناسند. در یک ساختار نظم بین‌المللی در جامعه ما دارد کار می‌کند و همه‌اش ساختارهای تاریخی است ولی ساختارهای دیگر هم هست مثلاً فشارهای بیرونی دارد ساختارهای مسأله‌آمیز را بازتولید می‌کند. چرا سیاست‌های راست‌گرایانه از اواخر دهه ۸۰ افزایش پیدا کرده است و بیشترین آسیب را به انسجام اجتماعی می‌زند چون فشار تحریم است و پاسخ‌ها هم این است نقش دولت را وضع کنیم و بیرونی راه حل‌های ساده را پیدا کنیم. بحث من به این معنا سیاسی نیست و اتفاقاتی که علیه بوم ایران رقم خورده است، کمتر از دوران پهلوی نیست. مسأله دولت‌ها نیست بحث بر سر ایده است. ما باید توجه داشته باشیم که این ایده‌ها از کجای می‌آید. نحوه مواجهه ما باید چه باشد و این تخریب از کجای می‌آید. ما یک اعتماد به نفس ملی باید داشته باشیم و این اعتماد به نفس ملی باید با ناسیونالیسم پهلوی فرق کند، آن در برابر اعراب و آسیایی‌ها بود نه در برابر غرب. این ملی‌گرایی در ایران فقط نسبت به مسلمانان و اعراب و شرقی‌هاست اما در برابر غربی‌ها خاص است. حتی مفهوم ملی‌گرایی در ایران شکل و شمایل خاصی دارد که وابسته به شرایط مادر نظام جهانی است.

بخشی از وضعیت سرمایه اجتماعی الان را مربوط به شکاف اجتماعی می‌دانیم. سیاست‌گذار باید چه برنامه‌هایی برای کاهش این شکاف داشته باشد؟

● **مهرداد:** سیاست ما در حوزه افزایش سرمایه اجتماعی باید این باشد که تبیین مناسبی داشته باشیم و در حوزه نظری کارهای لازم را انجام دهیم و در حوزه سیاست با آنها پیش برویم. این مسائل باهم پیوند و ریشه‌های مشترک دارد. بدون فهم این ریشه‌ها نمی‌توانیم به راهبرد مناسبی دست پیدا کنیم و نگاه صرفاً لایه‌های رویین ماجرا، ما را از ریشه‌ها دور می‌کند و راهبردهای سیاستی ما به بازتولید این ماجراها دامن می‌زند. قسمت عمده ادبیاتی که درباره سرمایه اجتماعی تولید می‌شود، از پیمایش‌های ملی به دست می‌آید. در یکی از همین پیمایش‌ها نوع نگاه به مسأله خانواده و زنان ارزش‌های خاصی دارد. مسأله اشتغال زنان بیرون از خانواده یک ارزش اجتماعی جدید است و طوری طراحی شده است که در این حوزه زنان می‌خواهند بیرون باشند اما ساختارهای سیاسی یک مسأله دیگری شکل می‌دهند. زنان خانه‌دار در این مسأله حذف می‌شود و هیچ زنی انتخاب این را ندارد که خانه‌دار باشد. زنی در محاسبات اقتصادی ما به حساب می‌آید که حتماً از خانه بیرون بیاید اما اگر با تربیت بچه، سهم مدرسه غیرانتفاعی را کم کند و سهم رستوران‌ها کم کند، در این نگاه به رسمیت شناخته نمی‌شود. نوع مواجهه ما با مسائل می‌تواند سیاست‌های متفاوتی را رقم بزند. در حوزه نظر تولید شده است و آنجا مصرف می‌شود.

سیاست مادر
حوزه افزایش
سرمایه اجتماعی
باید این باشد که
تبیین مناسبی
داشته باشیم و
در حوزه نظری
کارهای لازم را
انجام دهیم و در
حوزه سیاست با
آنها پیش برویم.
این مسائل باهم
پیوند و ریشه‌های
مشترک دارد.
بدون فهم
این ریشه‌ها
نمی‌توانیم به
راهبرد مناسبی
دست پیدا
کنیم و نگاه
صرفاً لایه‌های
رویین ماجرا،
ما را از ریشه‌ها
دور می‌کند
و راهبردهای
سیاستی ما به
بازتولید این
ماجرها دامن
می‌زند